



رؤیاهای رسالی از سنخ کلام‌الله است و نه مشاهده

عبارات پیامبر(ص) در مورد رؤیاهای رسالی نشان می‌دهد که این رؤیاها کلام‌الله بوده و نه مشاهده؛ عبارات حضرت این است که خداوند چنین دستور داده، باید این‌گونه عمل کرد، این سخن را به من فرموده است و ...، نه این که من چنین در خواب دیدم و تعبیر آن را چنین می‌دانم.

عبارات پیامبر(ص) در مورد رؤیاهای رسالی نشان می‌دهد که این رؤیاها کلام‌الله بوده و نه مشاهده؛ عبارات حضرت این است که خداوند چنین دستور داده، باید این‌گونه عمل کرد، این سخن را به من فرموده است و ...، نه این که من چنین در خواب دیدم و تعبیر آن را چنین می‌دانم.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالفضل ساجدی، مدیر قطب فلسفه دین ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به نقد و بررسی مقاله جدید عبدالکریم سروش با عنوان «#171؛ محمد(ص)؛ راوی رؤیاهای رسولانه» پرداخت و به نقد مدعیات عبدالکریم سروش مبنی بر عدم مخاطبه خداوند و پیامبر(ص)، ماهیت مشاهداتی و رؤیایی وحی و این که قرآن به دلیل این که حکایت خواب است، نیازمند تعبیر و نه تفسیر است، پرداخت که در ادامه سومین بخش این گفت‌وگو ارائه می‌شود.

بخش پیشین این گفت‌وگو را در اینجا بخوانید!

فقط رؤیاهای رسالی پیامبر(ص) مصداق کلام الله هستند

ساجدی در مورد این ادعای سروش که قرآن نیازمند تعبیر و نه تفسیر است، با تأکید بر لزوم تفکیک رؤیاهای رسالی و غیررسالی پیامبر(ص) بیان کرد: ما حق نداریم از نزد خود مدعی شویم که کسی خواب دیده یا کیفیت خواب او به چه نحو بوده است. در مورد رؤیاهای پیامبر(ص) نیز قضاوت ما در مورد آن چه که در خواب ایشان اتفاق افتاده است باید بر اساس مطالعه زندگی ایشان باشد و آن چه با چنین مطالعه‌ای حاصل می‌شود این است که پیامبر اسلام(ص) دو نوع رؤیای رسالی و غیررسالی داشته‌اند؛ که اولی مصداق کلام الله است و دومی با این که رؤیای صادق است اما مصداق کلام الله نیست.

وی این تفکیک را مستند به روایت‌هایی دانست که در آن‌ها رؤیاهایی غیررسالی از پیامبر(ص) نقل شده است و عنوان کرد: زندگی حضرت نشان می‌دهد که خود ایشان میان دو نوع خواب‌شان تفکیک می‌کردند و از روایات مختلف هم این مطلب استفاده می‌شود. اگر به ایشان وحی‌ای در خواب نازل می‌شده بیان می‌فرمودند که وحی و سخن خداوند است، اما در رؤیاهای غیررسالی خود آن چه را دیده بودند، مانند سایر افراد و بدون این که آن را وحی بخوانند، نقل می‌کردند. بنابراین خود مواردی که از پیامبر(ص) نقل شده است نشان می‌دهد که رؤیای رسالی مصداق کلام خداوند است؛ کما این که بر اساس آن چه از ایشان نقل شده و بنا به مستندات تاریخی، وحی منحصر به رؤیا نیز نیست و رؤیای رسالی یکی از مصادیق کلام الله است.

نویسنده کتاب «#171؛ زبان دین و قرآن»؛ همچنین با اشاره به این مطلب که عبارات پیامبر(ص) در مورد رؤیاهای رسالی نشان می‌دهد که این رؤیاها کلام الله بوده و نه مشاهده، بیان کرد: در مواردی که رؤیای حضرت رسالی بوده است ایشان نمی‌فرمودند من این چنین و این چنین دیدم و شما این را تعبیر کنید؛ بلکه می‌گفتند که خدای متعال این چنین به من دستور داده است یا این سخن را به من گفته است. در همین مصداق آن جایی که حضرت به حالت اغما رفتند، وقتی که به هوش آمدند جمله‌ای که فرمودند این بوده است که خدای متعال چنین دستور داد ... و نگفتند که این چنین و انچنان دیدم؛ یعنی عباراتی که حضرت در باب رؤیاهای رسالی خود دارند این است که خداوند چنین دستور داده است، باید این‌گونه عمل کرد، این سخن را به من فرموده است، و ... نه این که من چنین در خواب دیدم و تعبیر آن را چنین می‌دانم.

تعمیم ناروای حکم رؤیای یوسف(ع) بر قرآن

وی در ادامه با اشاره به یکی از موارد استشهدا سروش به قرآن، گفت: آقای سروش در بخشی از مقاله خود و در جایی که می‌خواهد از استدلال‌های خود نتیجه بگیرد به داستان حضرت یوسف(ع) اشاره می‌کند و می‌گوید خورشید و ستاره‌ای که حضرت یوسف(ع) در خواب خود دیده است خورشید و ستاره واقعی نیست، پس چرا ما نیز وحی را این گونه نبینیم و همان گونه که آن رؤیا به تعبیر نیاز داشت چرا ما قرآن را هم تعبیر نکنیم. اما در پاسخ باید گفت که در این جا خود حضرت یوسف(ع) صریحاً می‌گویند که من در خواب دیدم که چنین اتفاقی افتاد. به علاوه نمی‌توان از يك مورد به چنین تعمیمی رسید و اولاً همه قرآن را حاصل رؤیا دانست و ثانیاً آن را نیازمند تعبیر تلقی کرد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) افزود: اگر بخواهیم به این روش عمل کنیم باید هر کسی در هر جای عالم سخنی می‌گوید، به صرف این که يك بار جمله‌ای را گفته باشد که به قرینه منشأ آن خواب بوده است یا این که از خواب و رؤیا سخن گفته باشد، سخنان او را همه رؤیایی تلقی کنیم و بگوئیم که هر چه شما می‌گوئید مربوط به عالم خواب است و آن را در عالم رؤیا دیده‌اید. این مغالطه‌ای است که ایشان مرتکب آن شده‌اند.

وحی در نحوه‌های مختلف آن حکم واحد دارد/ یا تعبیر یا تفسیر!

ساجدی در ادامه با اشاره به حکم واحد وحی در نحوه‌های مختلف آن گفت: وحی چه در عالم خواب باشد و چه در عالم بیداری و چه مستقیم و چه غیرمستقیم نمی‌توان از جهت حکمی که بر این شکل‌های وحی بار می‌شود آن‌ها را تفکیک کرد و گفت که یکی از آن‌ها تعبیر دارد و دیگری تفسیر دارد؛ بلکه همه انواع وحی مصداق کلام الله هستند که از طریق فرشته به پیامبر ابلاغ می‌شوند (چه همچون نبی تنها در خواب فرشته را ببیند و چه همچون رسول در بیداری فرشته را ببیند و از او وحی را دریافت کند). در واقع همه از جنس انتقال پیام هستند؛ نه این که خود پیامبر(ص) چیزی را مشاهده کند و سپس آن مشاهده را خود او یا دیگران تعبیر کنند. علاوه بر این قرآن سخن خود پیامبر(ص) نیز نیست. این‌ها چیزهایی است که با مطالعه پدیدارشناختی زندگی پیامبر(ص) حاصل می‌شود و نمی‌توان بدون تجربه ملك و فرشته چیزهایی را به پیامبر(ص) نسبت داد و به تعریف وحی پرداخت.

حکم به رمزی بودن زبان قرآن؛ نافی هدایتگری و منشأیت قرآن برای احکام

وی مطلب سروش در باب تعبیر را مخالف آیات فراوان قرآن دانست و بیان کرد: قول به تعبیر، و نه تفسیر قرآن، اولاً مستلزم نفی حجت ظاهر قرآن است و مخالف بسیاری از آیاتی است که می‌فرماید که این آیات به زبان عربی واضح به شما ارائه شده است تا هدایت شوید. اگر زبان قرآن رمز و نیازمند به تعبیر باشد هیچ هدایتگری مشخصی را نخواهد داشت و ما باید همه احکام را نفی کنیم. این مطلب خلاف ظاهر بسیاری از آیات هم هست که خداوند در آن‌ها می‌فرماید ما این‌ها را آیات واضح و پیام‌رسانی آشکار قرار دادیم؛ (مانند مائده - 2 / نحل - 92 / نور - 35 / عنکبوت - 54 / یاسین - 18 / تغابن - 17). بنابراین ایشان که می‌خواهد بر اساس ظاهر قرآن سخن بگوید باید ببیند که سخنانش خلاف بسیاری از این آیات است.

نفی واقع‌نمایی قرآن از سوی سروش و نقد آن

این عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) همچنین این نظر عبدالکریم سروش را مستلزم نفی واقع‌نمایی قرآن دانست و ضمن ارجاع علاقه‌مندان به بحث واقع‌نمایی زبان قرآن به کتابش با عنوان «#171؛ زبان دین و قرآن»؛ برای پی گرفتن تفصیل این بحث، به برخی نکات اشاره کرد و گفت: در تعریف ما از دین، دین عبارت است از منبع ارائه‌دهنده مجموعه معارف یا گزاره‌هایی که به دو دسته گزاره‌های هنجاری و توصیفی قابل تقسیم هستند.

ساجدی در همین باره افزود: گزاره‌های توصیفی دین گزاره‌هایی است که در مقام توصیف هستی، انسان و جهان است و گزاره‌های خداشناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، فرجام‌شناختی و راه و راهنماشناختی را شامل می‌شود. این گزاره‌ها بیانگر اعتقادات هستند. گزاره‌های هنجاری هم گزاره‌هایی است که باید‌ها و نبایدها را بیان می‌کنند؛ که بخشی از این گزاره‌ها اخلاقی و بخشی حقوقی یا بیانگر احکام هستند.

واقعی بودن پیوند گزاره‌های توصیفی و هنجاری؛ بیانگر ابعاد واقعی گزاره‌های دینی

وی گزاره‌های توصیفی و هنجاری را در ارتباط و پیوندی واقعی دانست و بیان کرد: انسان ظرفیت‌هایی برای کمال دارد و برای این که این ظرفیت‌ها محقق شود اول باید دانش لازم را داشته باشد و بعد هم متناسب با آن عمل کند. آن ظرفیت‌ها و آن دانش و این عمل سلیقه‌ای نیستند. به عبارت دیگر واقعیات عالم هستی از جمله خود انسان و کمال انسانی واقعی هستند و نسبتی بین آن‌ها برقرار است و دین ضمن بیان این نسبت زمینه را برای کمال انسانی و رشد انسان کامل فراهم کرده است. انسان کامل هم يك انسان واقعی است و اگر انسان واقعی بخواهد به کمال واقعی برسد باید دستورات خاصی را عمل کند.

نویسنده کتاب «#171؛ دین و دنیای مدرن، عصر نیاز»؛ با اشاره به نکته‌ای ناظر به این مطلب سروش که واقعیت رؤیایی را واقعیتی متفاوت از واقعیت زندگی در بیداری دانسته بود، گفت: واقعیت مد نظر ما همین واقعیت عالم بیرونی است و نه واقعی در عالم رؤیا. بر این اساس کمال انسان برای همین انسان بیرونی و واقعی باید کمال باشد؛ به عبارت دیگر اگر انسان بخواهد به کمال برسد باید به وجهی نیکو در خانواده، در مدرسه و دیگر نهادهای مؤثر در زندگی، که همگی در وجود و شکل‌گیری او مؤثرند، تربیت شود.

ساجدی ادامه داد: بنابراین معنی مورد نظر ما از دین و تحلیل ما از دین نشان می‌دهد که در این عالم کمال انسان در گرو شناخت برخی واقعیات و حرکت کردن به سمت آن واقعیات است و همین واقعیات است که قرآن آن‌ها را برای ما بیان کرده است. دین علاوه بر گزاره‌های توصیفی همچنان که گفته شد شامل گزاره‌های هنجاری نیز هست.

مدیر قطب فلسفه دین ایران رابطه میان گزاره‌های توصیفی و هنجاری را بیانگر ابعاد واقعی گزاره‌های دینی دانست و بیان کرد: تقرب به خدا يك امر واقعی است و نه يك امر رؤیایی؛ و بر همین اساس نماز واقعاً انسان را به خدا نزديك می‌کند. بنابراین با توجه به این که قرآن بیانگر همین گزاره‌ها است اگر گفتیم که این سخنان رؤیایی است، نتیجه این می‌شود که خداوند هم رؤیایی است و کمال هم رؤیایی است. اگر کمال رؤیایی است باید در خواب و رؤیا تأمین شود در حالی که چنین چیزی باطل است.

ساجدی افزود: اگر مطالبی که در کتاب‌های فلسفی و کتاب‌های پزشکی و غیره می‌بینیم مربوط به عالم واقعی است، کمالات معنوی و اخلاقی هم در عالم واقعی معنا دارد و اگر ظرف معانی آن‌ها در عالم رؤیاست، ظرف کمالات معنوی و اخلاقی هم عالم رؤیاست و همه این‌ها حکم واحد دارند.

تلاش ایده رؤیایی بودن وحی برای رفع هرگونه تلقی مجازی از قرآن، نافرجام است

وی در ادامه این گفت‌وگو با اشاره به ادعای سروش مبنی بر رفع هر گونه تلقی مجازی از قرآن در ایده رؤیایی بودن وحی، بیان کرد: ایشان تصریح می‌کند که من می‌خواهم هر گونه مجازی را در قرآن نفی کنم و مطلقاً باید همه تعبیر قرآن را به معنی ظاهری بگیریم و این تعبیر معنی کاملاً روشنی هم دارد؛ در حالی که اگر بخواهیم چنین چیزی بگوئیم بعضی از آیات هیچ معنای روشنی نخواهند داشت.

نویسنده کتاب در دست انتشار «؛کارکردهای دین raquo؛ ادامه داد: آیات و تعبیر متعددی در قرآن وجود دارد که ممکن است این تلقی بشود که در قالب آن‌ها اوصاف مادی به خدا نسبت داده شده است و خداوند را به گونه‌ای توصیف می‌کنند که از ظاهر آن‌ها برداشت وجود مادی خداوند می‌شود، مانند «؛... علی العرش استوی raquo؛ (طه/5) (نشستن خدا بر تخت)، اما ظاهر این آیات به هیچ نحو قابل پذیرش نیستند و ظاهر این آیات را نه تنها در خواب بلکه در هیچ عالم دیگری هم نمی‌توان دارای معنای حقیقی دانست و بر این اساس نمی‌توان ظاهر آن‌ها را پذیرفت و تأیید کرد.

ضوابط تعبیر چیست و معبر قرآن کیست؟

وی در ادامه عنوان کرد: بر فرض هم که ما بپذیریم که رؤیایی در کار بوده است نباید حتماً آن را تعبیر کرد؛ زیرا در برخی از موارد باید به رؤیا بدون تعبیر و همان گونه که هست توجه شود. علاوه بر این در صورتی که بگوئیم قرآن نیاز به تعبیر دارد و نه تفسیر و باید به دنبال تعبیر آن بود، باید مشخص شود که ضوابط این تعبیر چیست و معبر آن کیست؟

ساجدی بیان کرد: با توجه به این که برای تعبیر رؤیا ضابطه مشخصی وجود ندارد که بتوان به عنوان ضابطه تعبیر قرآن، به عنوان رؤیای پیامبر(ص) نیز بر آن تکیه کرد و در نتیجه اگر وحی را از سنخ رؤیا تلقی کنیم معیاری برای تعبیر قرآن وجود نخواهد داشت، فقط می‌توان به دنبال افرادی بود که نحوه‌ای خاص از ارتباط با خداوند را دارند که می‌توانند به تعبیر قرآن بپردازند و اگر هم بخواهیم به سراغ معبر برویم اولین شخص خود پیامبر(ص) خواهد بود؛ اما می‌بینیم که خود پیامبر(ص) هیچگاه از تعبیر سخن نگفته‌اند و همچنان که گفته شد اگر شخصی غیر از پیامبر(ص) نیز بخواهد معبر قرآن باشد باید معیار تعبیر روشن باشد و این نیز یکی دیگر از نکاتی است که جایگاه آن در بحث آقای سروش مشخص نیست.

وی در پایان اضافه کرد: بر این اساس هیچ کدام از سه ادعای ایشان مبنی بر این که قرآن مشاهده است، این مشاهده در عالم خواب و رؤیا بوده است و همچنین این که قرآن نیازمند تعبیر است و نه تفسیر قابل پذیرش نیست.